

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل حدیث از حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

(متن عربی و ترجمه فارسی)



۱- پند امام به عالمان

«أَيَّتْهَا الْعِصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ، يُهَابِكُمُ الشَّرِيفُ، وَ يُكْرِمُكُمُ الضَّعِيفُ وَ يُؤْثِرُكُمُ مَنْ لَافْضَلُ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدُ لَكُمْ عِنْدَهُ، تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا، وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كِرَامَةِ الْأَكَابِرِ... فَأَمَّا حَقُّ الضُّعْفَاءِ فَضَيِّعْتُمْ وَ أَمَّا حَقُّكُمْ بِرِعْمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ أَنْتُمْ تَتَمَنُونَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَ مُجَاوِرَةَ رَسُلِهِ وَ أَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؟!»

حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) خطاب به عالمان بی عمل و تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرموده اند: ای گروه نیرومندی که به دانش مشهور و به نیکی مذکور و به خیرخواهی معروف و با نام خدا و مذهب در نفوس مردم، با مهابت جلوه گرید! شریف از شما حساب می برد و ضعیف شما را گرامی می دارد، و کسانی که بر آنها برتری و حقی ندارید، شما را بر خود ترجیح می دهند، شما وسیله حوائجی هستید که بر خواستارانش ممتنع است، و به هیبت پادشاهان و کرامت بزرگان در راه گام برمی دارید...! و اما حق ضعیفان را ضایع کردید! و حق خود را که به گمانتان شایسته آنید طلب نمودید...! و با این حال آرزوی بهشت الهی را دارید و همجواری پیامبران و امان از عذابش را در سر می پرورانید!

۲- اصلاح امت، نه قدرت طلبی

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا اِتِّمَاسًا مِنْ فُضُولِ اَلْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرُدَّ اَلْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ اَلْاِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَا مَنَ اَلْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ اَحْكَامِكَ.»:

در باره فلسفه قیامش فرمود: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست؛ بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم تا ستمدیدگان از بندگانت امنیّت یابند و به واجبات و سنتها و دستورهای دینت عمل شود.

۳- بهداشت جسم و خودسازی

«أوصيكمُ بتقوى اللهِ وَ أَحَدَّرَكُمُ أَيَّامَهُ... فَبَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ... فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ دُنُوبِهِمْ وَ يَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ دُنْبِهِ.»:

ای مردم! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و از (گناه کردن) در ایامش برحذر می‌دارم... در مدت عمر به سلامت و تندرستی جسم پیشی گیرید... و از کسانی مباشید که بر گناه بندگان بیم دارند و خود از عقوبت گناه خویش آسوده‌خاطراند!

۴- اقسام جهاد

«الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ: فَجِهَادَانِ فَرَضٌ وَجِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ وَجِهَادٌ سُنَّةٌ، فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ، وَمُجَاهِدَةُ الَّذِينَ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ. وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهِدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ لَوْ تَرَكَوا الْجِهَادَ لَاتَّاهَمُ الْعَذَابُ وَهُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْأِمَامِ، وَحَدُّهُ أَنْ يَأْتِيَ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ. وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهُ الرَّجُلُ وَجَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا وَإِحْيَائِهَا، فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا إِحْيَاءُ سُنَّةٍ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَاجْرُ مِنْ عَمَلٍ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا.»

جهاد بر چهارگونه است: دوتای آن فرض، و یکی سنت که جز با فرض برپاداشته نشود، و دیگر جهاد سنت. اما آن دوتایی که فرض است، یکی جهاد شخص با نفس خود در مقابل معصیت‌های الهی است، و آن بزرگترین جهاد است، و جهاد با کفار که هم مرز با شمایند فرض است. و اما جهادی که سنت است و جز با فرض برپا نشود، جهاد با دشمن است، و واجب است بر همه امت، و اگر جهاد را ترک کنند عذاب بر آنان آید و این عذابی است که از خود امت است. و چنین جهادی بر امام سنت است و حد آن این است که امام با امت به سراغ دشمن روند و با آنها جهاد کنند. و اما جهادی که سنت مطلق است عبارت از هر سنتی است که شخص آن را برپا می‌دارد و در برپایی و اجرا و زنده کردن آن تلاش می‌کند. بنابراین، هر نوع کار و کوشش در اقامه آن از بهترین اعمال خواهد بود، زیرا که آن زنده نمودن سنت است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «هر که سنت و روش نیکویی را به وجود آورد پاداشش برای او خواهد بود و نیز ثواب هر که تا روز قیامت بدان عمل کند، بدون آن که از ثواب آنها هم چیزی کاسته شود.»

۵- تباهی دنیا

«إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفُهَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابُهُ كَصُبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ خَسِيسُ عَيْشِ كَالْمَرْعَى الْوَبِيلِ، أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتْنَاهَى عَنْهُ، لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا، إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعُقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.»

امام حسین(علیه السلام) در هنگام سفر به کربلا فرمود: راستی این دنیا دیگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده، و از آن جز نمی که بر کاسه نشیند و زندگی ای پست، همچون چراگاه تباہ، چیزی باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ در چنین وضعی مؤمن به لقای خدا سزاوار است. و من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست و مادام که برای معیشت آنها باشد پیرامون آناند، و وقتی به بلا آزموده شوند دینداران اندکاند.

۶- نعمت ناخوش انجام

«الْأَسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبِغَ عَلَيْهِ النِّعَمَ وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ.»

غافلگیر کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکرگزاری را از او بگیرد.

۷- عبادتِ تاجران، عابدان و آزادگان

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»:

گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می‌کنند که این عبادت تاجران است، و گروهی خدا را از روی ترس (از دوزخ) می‌پرستند و این عبادت بندگان است و گروهی خدا را از روی شکر (و شایستگی پرستش) عبادت می‌کنند و این عبادت آزادگان است که بهترین عبادت است.

۸- پرهیز از ستمکاری

«إِيَّاكَ وَالظُّلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ»

برحذر باشید از ستم کردن به کسی که یاورى جز خداوند عزوجلّ ندارد.

۹- روی آوردن به دیندار، جوانمرد و اصیل

«لَا تَرْفَعُ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَىٰ أَحَدٍ ثَلَاثَةً: إِلَىٰ ذِي دِينٍ، أَوْ مُرُوَّةً، أَوْ حَسَبٍ.»

جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروّت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

♦ ۱- نشانه های مقبول و نامقبول انسانها

«مِنْ دَلَائِلِ عِلْمَاتِ الْقَبُولِ: الْجُلُوسُ إِلَى أَهْلِ الْعُقُولِ. وَمِنْ عِلْمَاتِ أَسْبَابِ الْجَهْلِ الْمُمَارَاةُ لِغَيْرِ أَهْلِ الْكُفْرِ. وَمِنْ دَلَائِلِ الْعَالِمِ
إِتْقَادُهُ لِحَدِيثِهِ وَعِلْمُهُ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظْرِ.»:

از دلائل نشانه های قبول، همنشینی با خردمندان است.

و از نشانه های موجبات نادانی، مجادله با مسلمانان.

و از نشانه های دانا این است که سخن خود را نقادی می کند و به حقایق فنون نظر، داناست.

۱۱- نشانه های مؤمن

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ اتَّخَذَ اللَّهَ عِصْمَتَهُ وَقَوْلَهُ مِرَاتَهُ، فَمَرَّةً يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ وَتَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَجَبِّرِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفَ وَ مِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفٍ وَ مِنْ فِطْنَتِهِ فِي يَقِينٍ وَ مِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينٍ.»:

به راستی که مؤمن خدا را نگهدار خود گرفته و گفتارش را آئینه خود، یک بار در وصف مؤمنان می‌نگرد و بار دیگر در وصف زورگویان، او از این جهت نکته سنج و دقیق است و اندازه و قدر خود را می‌شناسد و از هوش خود به مقام یقین می‌رسد و به پاکی خود استوار است.

۱۲- بخل ورزی در سلام

«الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ.»:

بخیل کسی است که به سلام کردن بخل ورزد.

۱۳- نتیجه پیروی از گناهکار

«مَنْ حَاوَلَ امْرَأً بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَتْ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُ.»:

کسی که با نافرمانی خدا گرد کسی گردد، آنچه را امید دارد از دست رفتنی تر است و از آنچه برحذر است زودتر دچارش گردد.

۱۴- احترام به ذریه زهرا(علیه السلام)

«وَاللّٰهُ لَا اَعْطٰى الدّٰنِيَّةَ مِنْ نَفْسِيْ اَبَدًا وَتَلَقِيْنَ فَاطِمَةَ اَبَاها شَاكِيَةً مَا لَقِيَتْ ذُرِّيَّتَهَا اُمَّتَهُ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اَحَدٌ اَزْها فِيْ ذُرِّيَّتِها.»:

به خدا قسم من هرگز زیر بار پستی و ذلت نخواهم رفت و در روز قیامت، فاطمه زهرا پدرش را ملاقات خواهد کرد، در حالی که از آزاری که فرزندانش از امت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) دیده اند به پدر خویش شکایت خواهد برد و کسی که ذریه فاطمه را آزار دهد داخل بهشت نخواهد شد.

۱۵ - فلسفه قیام

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلى الله عليه وآله وسلم) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ.»

من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، بلکه قیام من برای اصلاح در امتّ جدّم می‌باشد، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.

۱۶- ما اهل بیت شایسته حکومتیم

«إِنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ.»:

ما اهل بیت به حکومت و زمامداری - نسبت به کسانی که آن را تصرف کرده‌اند - سزاوارتریم.

۱۷- امام کیست؟

«فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ وَالْأَخِذُ بِالْقِسْطِ وَالِدَائِنُ بِالْحَقِّ وَالْحَائِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ.»

به جان خودم سوگند، امام و پیشوا نیست، مگر کسی که به قرآن عمل کند و راه قسط و عدل را در پیش گیرد و تابع حق باشد و خود را در راه رضای خدا وقف سازد.

۱۸- اهل بیت شایستگان حکومت

«أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضِي لِّلَّهِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَوْلَى بِوِلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.»

ای مردم! اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود و ما اهل بیت پیامبر، به ولایت و رهبری، از این مدعیان نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته‌ترییم.

۱۹- قیام در مقابل ظالم

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ.»

هان ای مردم! پیامبر خدا فرموده است: کسی که زمامداری ستمگر را ببیند که حرام خدا را حلال می‌سازد و عهدش را می‌شکند و با سنت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) مخالفت می‌ورزد و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز عمل می‌کند، ولی در مقابل او با عمل یا گفتار، اظهار مخالفت ننماید، بر خداوند است که او را با همان ظالم در جهنم اندازد.

۲۰- خشنودی خالق، ملاک رستگاری

«لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ إِشْتَرَوْا مَرَضَاتِ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ.»:

رستگار مباد مردمی که خشنودی مخلوق را در مقابل غضب خالق خریدند.

۲۱- بهترین یاران

«إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْلَىٰ وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أُبْرُ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا خَيْرًا.»:

در شب عاشورا فرمود: من اصحاب و یارانی را بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت و خاندانی بهتر و باوفاتر از اهل بیت خود سراغ ندارم، خداوند به همه شما جزای خیر دهد.

۲۲- آزمودگان استوار امام (علیه السلام)

«وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَوْتُهُمْ فَمَا وَجَدْتُ فِيهِمْ إِلَّا الْأَفْعَسَ يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيِّ دُونِ اسْتِيناسِ الطُّفْلِ إِلَى مَحَالِبِ أُمَّهِ.»

درباره اصحاب خود فرمود: به خدا قسم آنان را آزمودم، دلاور و استوارشان دیدم، به کشته شدن در رکاب من چنان مشتاقاند که طفل شیرخوار به پستان مادرش!

۲۳- بهترین سخن تسلی بخش

«إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ وَأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ وَيَبْعَثُ الْخَلْقَ فَيَعُودُونَ وَهُوَ قَرْدٌ وَحْدَهُ.»

در مقام تسلی به خواهر بزرگوارش فرمود: اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان باقی نمی‌مانند و همه چیز رو به فناست، جز ذات پروردگاری که زمین را به قدرتش آفریده، و خلق را برانگیزاند و همه به سوی او باز می‌گردند، و او تنهای یگانه است.

۲۴- شکیبایی، پل پیروزی

«صَبْرًا يَا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعْمِ الدَّائِمَةِ.»

به اصحاب رزمنده خود در روز عاشورا فرمود: ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی ورزید که مرگ چیزی جز یک پُل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده به بهشت پهناور و نعمتهای همیشگی آن می‌رساند.

۲۵- فرجام دنیا

«عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوْ بَقِيَتْ عَلَى أَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا لَكَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبَقَاءِ وَأَوْلَى بِالرُّضَا وَأَرْضَى بِالْقَضَاءِ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِّدْهَا بَالٍ وَ نَعِيمُهَا مُضْمَحِلٌّ وَ سُرُورُهَا مُكْفَهَرٌ وَ الْمَنْزِلُ تَلَعَهُ وَ الدَّارُ قَلَعَهُ. فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»

بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده شود و یا یک فرد برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقا سزاوارتر بودند و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود، ولی هرگز! زیرا خداوند دنیا را برای فانی شدن خلق نموده که تازه هایش کهنه و نعمت هایش زایل خواهد شد و سرور و شادی اش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید، منزلی پست و خانه ای موقت است، پس برای آخرت خود توشه ای بگیرید. و بهترین توشه آخرت تقواست، از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

۲۶- مقاومت مردانه

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ يَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ مِنْهُمْ فِرَارَ الْعَبِيدِ.»

نه به خدا سوگند، نه دست دلت در دست آنان می‌گذارم و نه مانند بردگان از صحنه جنگ در برابرشان فرار می‌کنم.

۲۷- آثار غذای حرام

«وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لَأْمُرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي قَدْ أَنْخَلْتُ عَطِيَّاتِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَمَلَأْتُ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ.»

در روز عاشورا خطاب به سپاه ظلم فرمود: «وای بر شما چرا ساکت نمی‌شوید، تا گفتارم را بشنوید؟ همانا من شما را به راه هدایت و رستگاری فرامی‌خوانم، هر کس از من پیروی کند سعادت‌مند است و هر کس نافرمانی‌ام کند از هلاک شدگان است، شما همگی نافرمانی‌ام می‌کنید و به سخنم گوش نمی‌دهید، آری در اثر هدایای حرامی که به شما رسیده و در اثر غذاهای حرامی که شکم هایتان از آنها انباشته شده، خداوند این چنین بر دل‌های شما مهر زده است!»

۲۸- هیهات که زیر بار ذلت روم!

«أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالدَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِمَّا الدَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورُ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفُ حَمِيَّةٌ وَنَفُوسٌ أَبِيَّةٌ مِنْ أَنْ نُؤْتَرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ.»

آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیهات که ما زیر بار ذلت برویم، زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این که ما ذلت را بپذیریم دریغ دارند، دامنهای پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران، روا نمی‌دارند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کریمان و نیک منشان مقدّم بداریم.

۲۹- خشم الهی بر یهود، مجوس و دشمن اهل بیت (علیه السلام)

«إِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا وَاسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى إِذْ جَعَلُوهُ ثَالِثَ ثَلَاثَةٍ وَاسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَبَدُوا الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ذُنُوبَهُ وَاسْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمٍ انْفَقَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ.»

خشم خداوند بر یهود آن گاه شدت گرفت که برای او فرزندی قرار دادند، و خشمش بر نصاری وقتی شدت یافت که برای او قائل به خدایان سه گانه شدند، و غضبش بر مجوس آن گاه سخت شد که به جای او آفتاب و ماه را پرستیدند، و خشمش بر قوم دیگری آن گاه شدت یافت که بر کشتن پسر دختر پیامبرشان هماهنگ گردیدند.

۳۰- اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید

«يا شيعه آل ابي سفيان ان لم يكن لكم دين و كنتم لا تخافون المعاد فكونوا احرارا في دنياكم وارجعوا الى احسابكم ان كنتم عربا كما تزعمون.»

ای پیروان خاندان ابوسفیان! اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید لااقل در زندگی دنیاتان آزادمرد باشید، و اگر خود را عرب می پندارید به نیاکان خود بیندیشید.

۳۱- پیشی گیرنده در آشتی

«أَيُّمَا إِتْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ فَطَلَبَ أَحَدُهُمَا رِضَا الْآخَرِ كَانَ سَابِقُهُ إِلَى الْجَنَّةِ.»:

هر یک از دو نفری که میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دو رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده، اهل بهشت خواهد بود.

۳۲- ثواب سلام

«لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعُ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِئِ وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ»:

سلام کردن هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه از آن سلامکننده و یکی از آن جواب دهنده است.

۳۳- رضای خدا، نه هوای مردم

«مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ.»:

هر کس رضای خدا را به غضب مردم بجوید، خدا او را از کارهای مردم کفایت می‌کند، و هر کس خشنودی مردم را به غضب خدا بجوید، خدا او را به مردم واگذارد.

۳۴- ویژگیهای حضرت مهدی (علیه السلام)

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَبِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَخْتَا جُ إِلَى أَحَدٍ.»:

درباره حضرت مهدی (علیه السلام) فرموده: شما مردم، آن حضرت را به داشتن آرامش و متانت و به شناخت حلال و حرام و به رو آوردن مردم به او و بی‌نیازی او از مردم می‌شناسید.

۳۵- رؤیای دنیا

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا خُلُوهَا وَ مَرُّهَا حُلْمٌ وَ الْإِتِّبَاهُ فِي الْآخِرَةِ.»

بدانید که دنیا شیرینی و تلخی اش رؤیایی بیش نیست، و آگاهی و بیداری واقعی در آخرت است.

۳۶- پرهیز از کلام پست و سبک

«لَا تَقُولُوا بِالْأَسْتِثْنَاءِ مَا يَنْقُصُ عَنْ قَدْرِكُمْ.»:

چیزی به زبانتان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

۳۷- جاودانگی در مرگ با عزت

«لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً خَالِدَةً وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ.»:

مرگ در راه عزت جز زندگی جاوید، و زندگی با ذلت جز مرگ بی حیات نیست.

۳۸- حرمت حيله و نيرنگ

«وَ الْخَدْعُ عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُحْرَمٌ.»

حيله و نيرنگ نزد ما اهل بيت حرام است.

۳۹- مرگ، پدیده گریبانگیر

«خَطُّ الْمَوْتِ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطُّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَنَاءِ وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَى أَسْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ.»:

قبل از حرکت از مکه به سوی عراق در میان جمعی از بنی‌هاشم فرمود: مرگ گردنگیر فرزندان آدم است؛ همچون گردنبندها بر گردن دختر جوان، و من مشتاق دیدن گذشتگانم هستم، مانند اشتیاقی که یعقوب به دیدن یوسف داشت.

♦ ۴- اندیشه پایان کار

«فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَىٰ وَ أَنْبَلُوا إِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرْكِ جَمْعَهَا فَمَا بَالُ مَتْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُو إِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مَّقْسَمًا فِقَلَّةُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُو إِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءً فَتَقْتُلُ امْرَأً بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ عَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ يَا آلَ أَحْمَدَ فَإِنِّي أُرَانِي عَنْكُمْ سَوْفَ أَرْحَلُدِرُ»:

حضرت در مسیر حرکت به جانب کوفه فرموده است: زندگی دنیا گرچه نفیس و پربهاست، ولی پاداش خدا در جهان دیگر بالاتر و پربهاتر است.

و اگر سرانجام جمع آوری مال و ثروت، ترک نمودن آن است، پس نباید مرد برای آن بخل ورزد. و اگر روزی های بندگان، تقسیم و مقدر شده است، پس کمی حرص مرد در کسب، زیباتر. و اگر بدن ها برای مرگ آفریده شده است، پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر. درود بر شما ای خاندان پیامبر، که من به زودی از میان شما کوچ خواهم کرد.